

تولید مخزن نفتی پس از تزریق گاز در اقتصاد چین طرح‌هایی بسیار موثر است.

طرفداران نظریه اولویت تزریق گاز، نیاز ایران برای تزریق گاز به مخازن نفت در سال ۲۰۱۰ را حدود ۲۰ میلیارد فوت مکعب در روز (۲۰۶ میلیارد مترمکعب در سال و تقریباً تولید ۲۰ فاز پارس جنوبی) عنوان نموده‌اند.

شایان ذکر است، تاکنون مطالعات دقیقی در زمینه نیاز گاز برای مصارف تزریق انجام نگرفته است و عدد مذکور تنها یک برآورد اولیه است. از طرفی باید اشاره نمود، بین نیاز واقعی گاز برای تزریق به مخازن نفتی و برنامه تزریق گاز تفاوت عمده‌ای وجود دارد. به طور مثال، توسعه یک میدان نظیر پارس جنوبی و انتقال گاز آن در حدود ۵۰۰ کیلومتر از عسلویه به مناطق نفت خیز خوزستان و همچنین سرمایه‌گذاری جهت فراهم آوردن چاه‌های تزریقی، ادوات و تجهیزات مورد نیاز برای تزریق گاز به مخازن نفتی، جهت افزایش فشار سرمایه‌گذاری زیادی را می‌طلبد که معمولاً سرمایه‌گذاران خارجی علاقه‌ای به مشارکت در چنین طرح‌هایی ندارند (این موضوع عموماً ناشی از طولانی بودن زمان برگشت سرمایه‌گذاری است). از این رو، سرمایه‌گذاری طرح‌های تزریق عموماً از منابع مالی داخل کشور باید تامین گردند که باتوجه به محدودیت سرمایه‌گذاری و همچنین محدودیت زمان عملاً نمی‌توان مقادیر زیادی (در حدود ۲۰۶ میلیارد مترمکعب در سال) را حداقل تا سال ۲۰۱۰ تزریق نمود. بر اساس، برخی پیش‌بینی‌ها، برنامه تزریق شرکت ملی نفت ایران برای سال ۲۰۱۰ تا بیش از ۸۰ میلیارد مترمکعب عملی نخواهد بود.

از طرفی، مصرف گاز طبیعی در کشور به طور چشمگیری با نوسانات فصلی روبرو است، به طوری که در زمستان مصرف گاز به شدت افزایش می‌یابد و در تابستان با کاهش روبرو است. از این رو، صادرات گاز طبیعی به ویژه به کشورهای حوزه خلیج فارس (به دلیل نیاز بیشتر این کشورها به گاز در فصل‌های گرم سال) از جمله کویت و یا امارات علاوه بر تعدیل نوسانات مصرفی فصلی کشور، با سرمایه‌گذاری نسبتاً اندک در ساخت خط لوله صادراتی، سودآوری مناسبی را به همراه دارد.

به هر حال باید اشاره نمود، اظهار نظر دقیق در مورد اقتصاد طرح‌های گازی بدون اتکا به مفروضات واقعی امکان پذیر نخواهد بود و سیاست‌گذاری کلان کشور تنها در گرو انجام مطالعات دقیق، همه‌جانبه و کارشناسی است. طبیعتاً گزینه مناسب ترکیبی از اجرای طرح‌های مختلف صادرات و تزریق می‌باشد که منافع کشور را در هر زمان حداکثر نماید.

نکته آخر که باید روی آن تاکید نمود، تنها حداکثر نمودن تولید از منابع مشترک گازی از جمله پارس جنوبی می‌باشد. استفاده از گاز به هر شکل ممکن در حداقل زمان از پارس جنوبی اولویت اصلی کشور به شمار می‌رود. در استفاده از منابع مشترک طرحی سودآورتر است که زودتر به مرحله اجرا برسد. متأسفانه تعلل در عدم تصمیم‌گیری برای تولید بیشتر گاز از پارس جنوبی ناشی از عدم تصمیم‌گیری بین اولویت طرح‌ها، ضررهای اقتصادی بیشتری را متوجه کشور خواهند نمود.

رسماً آبراز کرده‌است ولی اتحادیه اروپایی، به ویژه اتریش تمایل خود را به خرید گاز از ایران اعلام نموده‌است.

## صادرات گاز به صورت ال.ان.جی

کشور ایران همچنین اجرای سه طرح بزرگ ال.ان.جی، را در برنامه‌های خود قرارداده است. LNG NIOC یکی از این طرح‌ها است که برنامه تولید ۱۰ میلیون تن ال.ان.جی در سال برای آن پیش بینی شده است و تنها سهامدار آن شرکت ملی نفت ایران و بازار مورد نظر این طرح، کشور هندوستان می‌باشد. در حال حاضر، قرارداد فروش ۵ میلیون تن ال.ان.جی به کشور هندوستان امضاء شده است و مذاکرات برای افزایش آن به ۷/۵ میلیون تن در حال نهایی شدن است. تاریخ شروع حمل ال.ان.جی به این کشور اواخر سال ۲۰۰۹ مقرر شده است. شرکت ملی صادرات گاز ایران، تصمیم دارد به طور موازی فعالیت بازاریابی مازاد ظرفیت این طرح را همزمان با ساخت تاسیسات ادامه دهد. دیگر مشتری بالقوه این طرح، اسپانیا است که مذاکرات برای صدور به این بازار نیز در مراحل نهایی خود قرارداد. طرح دوم پیش‌بینی شده از سوی شرکت ملی نفت ایران ParsLNG است که برای صادرات سالانه ۱۰ میلیون تن گاز طبیعی مایع شده بین سهامداران این طرح یعنی، شرکت ملی نفت ایران (۵۰ درصد)، شرکت توتال فرانسه (۳۰ درصد)، شرکت پتروناس مالزی (۲۰ درصد) به طور رسمی در سال گذشته میلادی مورد توافق قرار گرفت. قرار است، بازاریابی و فروش این طرح، منحصراً توسط شرکت مشترکی به نام ParsLNG دنبال گردد. طرح PersianLNG نیز برای صادرات سالانه بیش از ۱۵ میلیون تن گاز طبیعی مایع شده بین سهامداران این طرح یعنی، شرکت ملی نفت ایران (۵۰ درصد)، شرکت شل (۲۵ درصد) و شرکت ریپسول (۲۵ درصد) تعریف شده است.

## بررسی اقتصاد طرح‌های صادرات گاز ایران

وقتی صحبت از اقتصاد طرح‌های صادرات گاز می‌شود، مشخصاً صدور گاز از طریق خط لوله و یا LNG باید بررسی گردد و در اظهار نظر اقتصادی هر طرح باید شرایط بازار، قیمت گاز فروخته شده، حجم گاز و سایر عوامل اقتصادی مدنظر قرار گیرد. در واقع مجموع درآمد طرح در مقایسه با کل هزینه‌های طرح در طول زمان فعالیت آن، مورد ارزیابی قرار داده شود. باتوجه به قیمت‌های نفت و گاز در حال حاضر، بسیاری از پروژه‌های صدور گاز از طریق خط لوله و همچنین پروژه‌های ال.ان.جی از سودآوری مناسبی برخوردارند و صدور گاز در یک نگاه کلی هیچ گاه نمی‌تواند عملی غیراقتصادی تلقی شود. صادرات گاز مجموعه‌ای از طرح‌های مختلف را در برمی‌گیرد که جهت تحقق آن باید اجرای مجموعه‌ای از طرح‌های سودآور در اولویت زمانی قرار گیرد.

اظهار نظر در مورد اقتصاد طرح‌های تزریق نیز به همین صورت است و باید هر طرح را جداگانه و به طور دقیق مورد ارزیابی قرارداد. در طرح‌های تزریق رفتار زمانی

باتوجه به قیمت‌های نفت و گاز در حال حاضر، بسیاری از پروژه‌های صدور گاز از طریق خط لوله و همچنین پروژه‌های ال.ان.جی از سودآوری مناسبی برخوردارند و صدور گاز در یک نگاه کلی هیچ گاه نمی‌تواند عملی غیراقتصادی تلقی شود

